

نقش انفاق در تقویت خشوع مؤمنان براساس آیات سوره حدید

خدیدجه احمدی بیغش* | ریحانه سادات سیدمهدی**

چکیده

خشوع، نمود درونی و باطنی فروتنی و تواضع است و حالتی خاص برای بندگان در درک عظمت و کبرای پروردگار به شمار می‌رود. این صفت اخلاقی تنها در عمل و با افعال به ملکه ظهور می‌رسد. از سویی دیگر انفاق، گذشتن از امری تا حد اتمام، گستره وسیعی دارد که از انفاق مال تا انفاق معنوی را فرا گرفته و سر حد آن انفاق جان (جهاد) است. در قرآن کریم اصل عمل انفاق مانند سایر امور عبادی تنها برای تحقق اطاعت امر خدا و رسول ﷺ است، و این امر بدون خشوع و نیت خالص محقق نمی‌شود. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال است که بر اساس آموزه‌های سوره حدید، انفاق چگونه موجب تقویت صفت خشوع در مؤمنان می‌شود. بررسی توصیفی تحلیلی این مسئله حاکی از آن است که انفاق اطاعت امر خداوند بعد از درک عظمت الهی او بوده و در واقع انفاق نمود بیرونی خشوع است و تحقق خشوع را می‌توان در دو مرحله، نخست زمینه‌های پیدایش و ایجاد خشوع، سپس عوامل تقویت آن تبیین کرد. در مرحله اول (آیات ۱-۱۵) با ایجاد شناخت نسبت پروردگار و صفاتش و با به تصویر کشیدن حقیقت ایمان مؤمنان در آخرت، ایشان را بر انفاق، ترغیب و تشویق می‌کند. در مرحله بعد ضمن نمایاندن چهره واقعی دنیا و متعلقات آن، بر فانی بودن اعمال و علائق دنیا و به دوری از حب به آن تأکید کرده است. پس در نتیجه، این حالت اخلاقی در اثر تقویت خشوع و درک عظمت الهی در مؤمنان ایجاد می‌شود و بذل انفاق در گستره‌های مختلفی چون جان، مال، امور مادی و معنوی، با قید اخلاص فی سبیل الله محقق می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سوره حدید، ایجاد روحیه خشوع، تقویت خشوع، انفاق فی سبیل الله.

* استادیار گروه قرآن و حدیث دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) (Kh.ahmadi@modares.ac.ir)
** دانش پژوه سطح چهار (دکتری تفسیر تطبیقی)، موسسه آموزش عالی رفیعه‌المصطفی، تهران، ایران. (Rseyed787@gmail.com)
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲)

طرح مسئله

انفاق مانند سایر امور عبادی تنها با اطاعت امر خدا و رسول ﷺ و براساس خشوع و نیت خالص تحقق می‌یابد. خشوع، نمود فروتنی، بلکه خاص عملی و درونی در بندگان است که با درک عظمت پروردگار حاصل می‌گردد. به عبارتی دیگر انفاق نمود بیرونی خشوع است. خداوند متعال در جای جای قرآن کریم ضمن پرداختن به مسئله خشوع، راههای گوناگونی از جمله انفاق را جهت تحقق خشوع بر شمرده است. حال سوال آن است که چرا قرآن کریم در کنار دعوت به عباداتی چون نماز، بر انفاق به عنوان یکی از راههای دستیابی به خشوع درونی تأکید داشته، و چگونه آن را محقق می‌دارد. سوره حدید از جمله سوره‌هایی است که محتوایش تقویت خشوع در قلوب مؤمنان را با انفاق محقق دانسته است. زیرا انسان مؤمن با درک معارف توحیدی، به خشوع قلبی و عملی در برابر پروردگار دست می‌یابد. از این رو هرچه انفاق با درک و فهم بیشتری ادا شود، خشوع انسان در برابر پروردگارش افزایش می‌یابد.

نزول تدریجی قرآن برنامه‌ای هدفمند در مسیر رشد فردی و اجتماعی فرد و جامعه را به همراه داشت. از این رو وضع قوانین در یک جامعه متناسب با شرایط آن جامعه، به همراه فعالیت فرهنگی مردم برای قبول و اجرای آن قانون است. عرب جاهلی با وجود خوی جهالت، دارای خصلت‌های نیکویی چون بخشندگی، شجاعت، و... بود. اما ریشه این صفاتش از ارزش‌های معنوی و اخلاقی بود، بلکه سرچشمه آنها در عوامل اجتماعی و فرهنگی جاهلی مانند تفاخر، علاقه به شهرت، امید رسیدن به ریاست، و... داشت. از این رو شجاعت در میدان جنگ، بخشندگی در حد اسراف، خونخواهی و انتقام جویی به دلیل تعصبات قبیله‌ای، و... را برای خویش فضیلت می‌شمرد (پیشوایی، ۱۳۹۳، ص. ۵۶). جامعه کوچک اسلامی مکه برگرفته از ضعفا، به دلیل فشار زیاد مشرکان، در شرایط سختی زندگی می‌گذرانند. پس از هجرت رسول الله ﷺ و مؤمنان به مدینه بدون دارایی‌هایشان، مهاجران تا مدتی شرایط مالی بدی داشتند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج. ۷، ص. ۹۱). اما با گسترش اسلام، وضع

مؤمنان بهتر شد. دستور به انفاق برای عبور از هر شرایطی، متناسب بود، تا عیار ایمان حقیقی مؤمنان و مرتبه خشوع ایشان در برابر فرامین پروردگار و رسولش ﷺ سنجیده شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۳، ص. ۸۱). گرچه انفاق از ابتدای نزول قرآن در مکه نیز تا مرتبه و جوب، مورد توجه خاص خداوند بوده است (دروزه، ۱۳۸۳، ج. ۱، ص. ۴۲۹). مسلمانان مکه با وجود آنکه در نهایت فقر و محاصره شدید اقتصادی بودند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج. ۱۳، ص. ۱۴۱)، خداوند متعال با لحنی توبیخ‌آمیز به ترغیب مؤمنان به انفاق و اطعام مساکین (مدثر، آیه ۴۴، نزول ۴) امر کرده، با هشدار دوزخی شدن در اثر عدم انفاق، ترسی در دل مؤمنان و کافران قرار می‌دهد، تا از همان ابتدا عظمت انفاق و عواقب ترک آن را برای مؤمنان و کافران نمایان گردد.

اما در مدینه و با برپایی حکومت اسلامی و نیاز به تشکیل بیت‌المال، علاوه بر حکم و جوب اخذ انفاقات واجب همچون زکات، مصارف دقیق آن در قالب یک نظام، تبیین گشت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۸، ص. ۱۹). مانند آنجا که در سوره توبه (آیه ۶۰، نزول ۱۱۴) حتی برای عاملین و متصدیان جمع‌آوری زکات از سوی رسول الله ﷺ نیز سهمی قرار می‌دهد. علاوه بر آن خود مؤمنان سولاتی را پی‌درپی پیرامون انفاق مطرح می‌کردند (مانند احکام انفاق در بقره آیه ۲۱۵، نزول ۸۷). این امر حاکی از آن است که مؤمنان به‌حدی از رشد فکری در زمینه انفاق رسیدند که خود جامعه به این موضوع حساس گشته، و به‌عنوان دغدغه بخش عمده‌ای از جامعه بدان پرداخته است. براین اساس رجوع مؤمنان به رسول الله ﷺ، به‌منظور سوال از کیفیت و جزئیات انفاق کثرت یافت. در واقع پیش از این، جامعه تنها با تشویق، تهدید، توجیه و استدلال، به‌سمت کمک به دیگران ترغیب می‌شد، اما در جامعه مدینه به واسطه رشد مؤمنان، خود جامعه به حرکت در آمده بود. این تغییر تفکرات تنها به خاطر روند آرام و منطقی‌ای بوده که در سالهای قبل از این توانسته بود به‌خوبی پیش رود و سطح فکری جامعه ارتقاء یابد (عبدالله زاده آرانی، ۱۳۹۸، ج. ۲۳، ص. ۸۶). بنابراین قرآن با نزول تدریجی خویش، با تذکرات و هشدارهای بیدارکننده همراه بوده، و با بیان مشوق‌ها و استدلال‌ات عقلی، جامعه را به امر توجه به

نیازمندان و فقرا حساس کرد؛ و تا بدانجا کوشید که با زدودن رذایل اخلاقی افراطی‌گری، موجبات رشد فکری جامعه را فراهم داشته، جامعه‌ای منظم جهت دریافت و مصرف هدفمند این بخشش‌ها به‌وجود آورد. اداء انفاق (با همه اقسام آن) تنها در سایه درک عظمت پروردگار و خشوع در آستان او محقق خواهد گشت. لذا پرسش ما چنین خواهد بود که براساس آموزه‌های سوره حدید، روحیه خشوع در مؤمنان چگونه ایجاد می‌شود؟ و حکمت انفاق فی سبیل الله در سوره حدید چگونه تقویت خشوع الهی در مؤمنان را محقق می‌دارد؟

پیشینه تحقیق

مقاله «مولفه‌های معنایی واژه انفاق در گفتمان قرآن کریم با تاکید بر روابط همنشینی» نوشته سیده فاطمه سلیمی، نشریه پژوهش دینی (۱۳۹۹ش) ضمن استخراج برخی واژگان همنشین انفاق، مولفه‌های معنایی و روابط معنایی واژگان با انفاق را حاکی از پیوستگی الفاظ در گفتار خداوند دانسته است. پایان‌نامه با عنوان «تبیین موضوع محوری سوره مبارکه حدید» نوشته طیبه جواهری، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث تهران (۱۳۹۴ش)، با بیان دعوت به ایمان و انفاق، به عنوان محور سوره حدید، به شیوه‌های فرهنگ سازی انفاق در جامعه پرداخته است. کتاب «آموزه‌های اخلاقی سوره حدید» محمدهادی فاطمی تبار (۱۳۹۵ش)، ضمن پرداختن به آموزه‌های اخلاق الهی، فردی و اجتماعی سوره حدید، انفاق را به عنوان یکی از آموزه‌های اخلاق اجتماعی مورد بررسی قرار داده است. کتاب «انفاق مال و جان، شاهره گسترش عدالت در جامعه (تدبر سوره حدید)» علی صبوحی طسوجی (۱۳۹۹ش)، تنها برخی از آیات این سوره را براساس انفاق مورد بررسی قرار داده است. اما همانگونه که ملاحظه شد پژوهشی که نقش انفاق در ایجاد و تقویت صفت خشوع در مؤمنان را براساس آیات سوره حدید مورد بررسی قرار دهد، یافت نشد.

۱. تقویت صفت خشوع با انفاق

انفاق از موکدترین دستورات الهی، نمود بیرونی و حقیقت ایمان است، که باید با اخلاص در راه الهی انجام گیرد. تبعاً با اعتقاد به حقیقت ربوبیت و علم به اوصاف الهی است که انجام این عمل برای مؤمن سهل گشته، موجب ارتقاء درجه ایمان او می‌گردد. پروردگار متعال با نزول تدریجی قرآن کریم، در مکه جامعه ایمانی را به عنوان قطب جدید جامعه مکی، و به‌عنوان جامعه اقلی مطرح کرد، و این گروه اندک را با باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی مناسب در این محیط آشنا نمود. در سوره‌های مدنی که با نزول سوره بقره شروع شد، اوضاع تغییر می‌کند. در این زمان قطب حاکم جامعه را مؤمنان تشکیل می‌دهند و قطب‌های مخالف و غیراسلامی در اقلیت هستند. جامعه دینی حاکم، به قوانینی برای اداره خود و نهادسازی‌هایی مطابق با شرایط جدید نیاز دارد. سوره‌های مدنی به منظور قوت و اقتداریابی هویت جامعه ایمانی، به این ابعاد هدایت می‌دارد.

سوره‌های مدنی به تدریج، احکام جدید را در شرایط نو، با فرصت آزمایش و میزان پای‌بندی مؤمنان به احکام الهی فراهم داشته، انتظارات الهی را از مردم مؤمن بیان کرده، از آن‌ها می‌خواهد به اصلاح رفتار خود مطابق این دستورات بپردازند. همچنین ایشان را بزرگ‌ترین آسیب در این میان که همانا غفلت از مراقبه دقیق اعمال است، بر حذر می‌دارد. بسیاری از مؤمنان در شرایط زندگی ایمانی به غفلت و غرور دچار شده، و توهم می‌کنند که تدین اجمالی آن‌ها را می‌رساند. اما پروردگار متعال از دقت در محاسبه اعمال آنان پرده برداشته، به‌منظور تعیین شاخصه‌های ایمانی در شرایط جدید حضور مسلمانان در مدینه، از آسیب‌هایی که از برخورد گزینشی با احکام الهی تشریح شده، هشدار می‌دهد. سیر نزول تدریجی آیات الهی تا سوره حدید (نود و چهارمین سوره در ترتیب نزول، پنجاه و هفتمین سوره در ترتیب مصحف) ضمن آسیب شناسی رفتار مؤمنان، ایشان را در پایه‌گذاری و استحکام جامعه مدنی صدر اسلام در یثرب یاری رسانده، با مهم‌ترین احکام الهی آشنا می‌دارد (ر.ک، بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ۳۶۵-۴۴۳).

سوره حدید از جمله سوره‌هایی است که محتوایش انفاق را با غرض ایجاد و تقویت صفت خشوع در قلوب مؤمنان مطرح داشته است. مطابق معارف این سوره دعوت به انفاق، موجب ایجاد معرفت توحیدی در قلوب مؤمنین، استقرار خشوع قلبی و عملی ایشان در برابر پروردگار می‌گردد. بدین معنا که خداوند متعال در سوره‌های نازل شده قبل از سوره حدید (نزول نود و چهار)، به تدریج مؤمنان را از غرور و غفلتی که ممکن بود به آن گرفتار شوند، دور داشت. به‌ویژه در سوره‌های نساء (نزول نود و دو) (از جمله آیه ۸۶: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا») و زلزال (نزول نود و سه)، مؤمنان را از محاسبات دقیق الهی، و مشاهده دقیق ریزترین اعمال در رستاخیز آگاه می‌کند. در سوره حدید این راه تربیتی ادامه یافته، و خداوند مؤمنان را، که احتمال دارد دچار آفت قساوت قلب و فریفتگی به دنیا شوند، با ترغیب به صدقه و قرض الحسنه و انفاق در مان می‌کند؛ تا با اداء انفاق با درک و فهم بیشتری، خشوع انسان در برابر پروردگارش نیز افزایش یابد. سوره حدید در دو مرحله، اداء انفاق را نتیجه خشوع مؤمنان در برابر پروردگار دانسته است:

- مرحله اول: با معرفی خداوند و صفات او، حقیقت ایمان در آخرت، مؤمنان را ترغیب به خشوع در برابر پروردگار کرده است.
- مرحله دوم: با نمایان کردن چهره واقعی دنیا و متعلقات آن، لزوم دوری جستن از اعمال فانی، از یک‌سو انفاق جان و مال فی سبیل الله را مطرح داشته، از سویی دیگر عوامل و آثار ایجاد روحیه خشوع در مؤمنان را بیان می‌دارد.

مرحله اول: ترغیب مؤمنان به خشوع در برابر پروردگار

مرحله اول از معارف سوره حدید شامل آیات ۱ الی ۱۵ می‌باشد که به شرح ذیل، ابعاد خشوع را در زندگی مؤمنان محقق می‌دارد:

۱.۱. تبیین قدرت مطلقه الهی

خداوند متعال در این مرحله با پرداختن به مالکیت مطلقه الهی بر قدرتش در نظام خلقت، و بازگشت

امور به سوی او تاکید دارد^۱ (طیب، ۱۳۶۹، ج. ۱۲، ص. ۴۲۰). زیرا تنها عامل بازگشت امور به سوی پروردگار، حکمرانی مطلقه الهی بر عالم است (لایه‌جی، ۱۳۸۳، ص. ۳۴۹، عبیدلی، ۱۳۸۱، ص. ۲۳۳، جرجانی، ۱۳۲۵، ج. ۸، ص. ۱۱۴). انسان با درک مالکیت مطلقه الهی در عالم هستی، به قدرت ذاتی مطلقه دائمیه الهی معرفت یافته، عاقبت همه امور خویش را نزد خدا می‌داند (شریف‌مرضی، ۱۴۰۵، ج. ۲، ص. ۲۷۹، حلی، ۱۴۱۳، ص. ۳۵۴، تفتازانی، ۱۴۰۹، ج. ۴، ص. ۸۹).

از سویی فطرت پاک تمامی موجودات معترف بر تسبیح و منزّه دانستن پروردگار از هر نقصی است (مغنیه، ۱۴۲۴، ج. ۷، ص. ۲۳۸) که با کمال الهی ناسازگار باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۴۴). از سویی دیگر همه موجودات نیازمند محض کسی‌اند که نیازهایشان را برطرف کند. لذا موجودات دائما مسبح او هستند (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج. ۷۵، ص. ۱۹۲). این تسبیح همگانی از قدرت مطلقه و لایزال الهی - که همانا توانایی انجام یا ترک هر فعل با اختیار از روی حکمت اوست - حکایت دارد (مدرسی، ۱۴۱۹، ص. ۱۴، ۱۵، مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص. ۷۷). افعال الهی نیز از روی حکمت بوده (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ص. ۲۲، ۱۱)، و به‌دور از خطا و بی‌نیاز از معلول است (آلوسی، ۱۴۱۵، ج. ۱۴، ص. ۱۶۶). حیات همه موجودات هم از مظاهر مالکیت و حاکمیت مطلقه الهی است (قطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۳۴۷۸)، که در دست قدرت نامحدود و تام پروردگار می‌باشد (آلوسی، ۱۴۱۵، ج. ۱۴، ص. ۱۶۶). بنابراین حیظه قدرت الهی نه تنها مالکیت همه آسمانها و زمین و جان انسانها، بلکه بازگشت همه امور به سوی پروردگار را دربردارد. اعتقاد انسان به این گستره با انجام اعمال صالحه‌ای چون انفاق، منجر به درک دو حقیقت می‌شود:

- قدرت الهی بدون ذره‌ای نیاز به غیر بوده، و نهایتا بازگشت همه به سوی اوست.
 - انسان با علم به نهایت فقر و عجز درونیش، در دایره ملکیت و کمال محض الهی است.
- به‌طورکلی امر به انفاق فی سبیل‌الله ممکن است این توهم را در ذهن انسان‌ها به وجود آورد که خداوند به‌دلیل نیازش انسان‌ها را امر به انفاق با مواهب خدادادی کرده است. حال آنکه مسئله نزاهت خداوند

۱. «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (حدید/۲): «وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» (حدید/۶).

از احتیاج، تسبیح همگانی موجودات عالم، و تبیین برخی اسماء حسناى الهی در ابتدای سوره حدید این مسئله را به خوب رد می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۴۳). بدین معنا که تسبیح همه موجودات و مخلوقات، بیانگر کمال و عدم نقص وجودی اوست، از این رو نه تنها به انفاق مؤمنان نیازی ندارد، بلکه خود اعطا کننده مواهب بی‌شمار به بندگان است. به گونه‌ای که درک غنای محض الهی و فقر دائمی موجودات به وجود الهی خشوع عبد را در برابر پروردگار افزایش داد، عامل مهمی در ترغیب ایشان به انفاق خواهد بود.

۲.۱. درک احاطه علم الهی

خداوند متعال در سوره حدید، پس از اثبات قدرت الهی، به احاطه علم علی‌الاطلاق خداوند از هر جهت پرداخته است^۱ (صدرا، ۱۹۸۱، ج. ۶، ص. ۳۰۹-۳۱۰). احاطه علمی الهی با تعبیر کنایه‌ای: «اَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ» (حدید/۴)، به لوازم تدبیر او در جزئیات احوال موجودات آسمانی و زمینی، ورود و خروج اجرام در زمین (خوانساری، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۶-۱۱۷، قطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۳۴۸۲)، نزول و صعود مخلوقات در آسمان، اعمال همه موجودات اشاره دارد (قطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۳۴۸۰). این احاطه مطلقه علمی، معیت الهی با بندگان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۹، ص. ۲۳۱) را نیز شامل می‌شود: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (حدید/۴). نتیجه این معیت و علم مطلقه الهی، بصیرت و احاطه کامل خداوند به تمامی اعمال ظاهری «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (حدید/۴) و نیت و افکار باطنی بندگان «وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»، و علم لاینفک الهی بر همه موجودات «يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (حدید/۶)، و در نتیجه خشوع بنده در برابر پروردگار خواهد بود (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج. ۵، ص. ۱۸۵).

بنابراین انسانی که به حقیقت قدرت و علم الهی آگاه باشد، درک می‌کند خداوند به نیت و اعمال او احاطه داشته، هیچ چیز از علم مطلقه الهی پوشیده نیست. علم مطلقه الهی بر اعمال انسان: «وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (حدید/۱۰) هشدار دیگری به انسان دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۵۴)، که چیزی از

۱. «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید/۳).

انفاق، و... بر خدا مخفی نخواهد بود. بنابراین با توجه به اینکه از یکسو خشوع صفت و ملکه‌ای درونی در انسان است، و از سوی دیگر ممکن است انفاق با فعل بیرونی انجام گیرد، اما خداوند با در نظر گرفتن باطن نیات و اعتقادات انسان، بر حسب نیات، بینش و اخلاص بندگان به آنان پاداش می‌دهد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۹، ص. ۳۵۰). از اینرو احاطه علمی پروردگار به باطن و ردون انسان امری ضروری در برقراری رابطه میان افزایش خشوع و اداء انفاق است. با شناخت و درک احاطه علم مطلق الهی بر اعمال انسان، باید گفت اصل همه عالم از آن پروردگار بوده، و جز اعمال انسان چیزی برای او باقی نخواهد ماند.

۳.۱. ایجاد باور توحیدی

معرفت به خداوند تنها از طریق درک اوصاف ذاتی و فعلی او امکان پذیر است (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج. ۲۷، ص. ۳۲۴). در سوره حدید با بیان صفات ذاتی و فعلی پروردگار اعم از علم، قدرت، خلقت، مالکیت و حاکمیت و... باور توحیدی را در بندگان ایجاد نموده است. بدین معنا که پروردگار بواسطه عزت ناشی از قدرت، حکمت ناشی از علم، لایق تسبیح و تنزیه از هر عیب و نقص بوده، انسان با درک این صفات الهی، می‌تواند به مقام خشوع در برابر پروردگارش دست می‌یابد (قطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۳۴۸۰). انفاق به‌عنوان یکی از اوامر الهی، در ملک الهی و زیرسلطه قدرت و علم او صورت می‌گیرد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۲۰). درک حضور همه‌جانبه خداوند در عالم هستی، موجب می‌شود مؤمن هیچ فعلی را مستقل از نظارت الهی نبیند (قطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۳۴۷۷). در واقع ایجاد باور توحیدی سبب بروز ایمان حقیقی در مؤمنان شده، در پی آن خشوع مؤمنان در برابر پروردگار را حاصل گشته، در نتیجه هیچ فعلی در عالم (مانند انفاق) بدون اذن او صورت نگیرد.

به‌بیانی دیگر در باور توحیدی موجب درک این امر می‌شود پروردگار از فضل خود به بندگان مالکیت اعتباری عمل خیر را عطا کرده، تا از پاداش اعمال نیکش بهره برند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۵۴). بدین معنا که انفاق تحویل امانت الهی است، تبعاً نباید نیاز به پاداش داشته باشد. اما خداوند به‌منظور

ترغیب و تشویق مؤمنان بر انفاق پاداش دنیوی و اخروی متعددی را وعده داده^۱، زیرا از سویی خارج کردن بخشی از مال برای فرد دشوار بوده (قطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۳۴۸۵)، از سویی دیگر اطمینان به بازگشت آن مال می‌دهد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۲۳). خداوند متعال برای عملی چون انفاق به حدی مشوق دنیوی و اخروی برای انسان فراهم کرده که فرد با درک فقر خود در برابر غنای محض الهی، بدون درنگ مشتاقانه به انفاق روی آورد.

۴.۱. دستیابی به حقیقت ایمان

توجه به وحدانیت پروردگار و نبوت رسول الله ﷺ از سویی نشانه حقیقت ایمان بوده (مدرسی، ۱۴۱۹، ۱۵، ۲۶)، تنها با اطاعت دستورات الهی نمایان می‌شود^۲، امر در آیه، ترتب ثبوت حقیقت ایمان فرد در اعمال او (اعم از اعتقادات، احکام تکلیفی، وضعی و نفسانی) است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۹، ۳۴۹). لازم به ذکر است انکار بعضی از اعمال یا تغییر و تبدیل آنها، از مصداق ایمان باللّه و رسول ﷺ خارج شده و در ضلالت داخل می‌گردد (طیب، ۱۳۶۹، ج. ۱۲، ص. ۴۲۱).

از سویی دیگر مطابق آیه هشتم^۳، شهادت بر وحدانیت پروردگار و رسالت رسول الله ﷺ، میثاقی مبنی بر اعتقاد به ایمان تام و عمل به دستورات الهی است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۹، ص. ۳۴۹). انسان مؤمن به خدا و رسول ﷺ، باید حقیقت ایمان در اعمال و رفتارش تجلی یابد. به هر میزان حقیقت ایمان فرد افزایش یابد، خشوع او در برابر پروردگار بیشتر می‌شود.^۴ در آیه دهم دستور به ایمان و انفاق توأمان داده شده، به گونه‌ای که انفاق کننده باید مؤمن باشد تا این حسن فعلی (انفاق) به برکت آن حسن فاعلی (ایمان) به ثمر رسد. نبود یکی از این دو، ایمان فرد را مورد مناقشه قرار داده، موجب عدم

۱. «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید/۱۱).

۲. «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا» (حدید/۷).

۳. «وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرُّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ» (حدید/۸).

۴. «وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى» (حدید/۱۰).

تحقیق حقیقت ایمان در آخرت می شود (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج. ۷۵، ص. ۱۵۹). آیه فوق با تبیین درجه انفاق قبل فتح و بعد فتح مکه (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۵۳)، به تعجیل در انفاق از باب سبقت در کار خیر، انجام عمل در سختی و در نهایت حقیقت ایمان دلالت دارد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۳۳). مراد از سختی عمل انفاق قبل از فتح، آن است که بعد از فتح مکه، اسلام عزت و قدرت یافت. بذل و بخشش خالصانه مهاجر و انصار در زمان محاصره شدید مؤمنان، غربت اسلام، گزینش یاران اندک رسول الله ﷺ از سوی پروردگار را در پی داشت، که با یقین قلبی به خدا، به دور از هر سبب ظاهری، و تنها برای کسب رضای او انفاق کردند (قطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۲۴۸۴)، زیرا انفاقی که در هنگام تنگنای اسلام اداء شد، تبعاً درجه ایمان فرد را بیشتر ارتقا خواهد داد.

نتیجه آنکه شناخت حقیقت ایمان، موجب ارتقاء و تعالی خشوع عبد شده، در ترغیب مؤمنان به انفاق نقش موثری دارد. زیرا حقیقت ایمان، چیزی جز باور قلبی و عمل به فرامین الهی اعم از انفاق نیست. سعادت و شقاوت اخروی انسان نیز تابع اعمال و نیت انسان در دنیا است. عمل صحیحی که در دنیا با ایمان راستین همراه باشد، یقیناً اجر اخروی را به دنبال دارد.

مؤمنی که با انفاق حقیقت ایمان خود را بروز دهد، نوری برای حرکت در صراط مستقیم کسب می کند؛ حال آنکه در مقابل آنکه حقیقت ایمان را بروز نداد، منافق گشت (پیشوایی، ۱۳۹۳، ص. ۲۱۱). در آخرت مؤمن با نور ایمان حقیقی خود به بهشت می رود، اما منافق در ظلمتی فراگیر از مؤمن درخواست درنگ می کند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۴۱)، تا با مختصری از نور مؤمن راه خود را روشن سازد. ایمان حقیقی انفاق کننده، نوری است که مؤمن را با سرعت به سمت سعادت می برد.^۱ منافق بعد از دیدن نتیجه کار خود در آخرت فریاد می زند.^۲ در دنیا در ظاهر دین با شما بودیم، اعمال را انجام دادیم، پس چرا جایگاهمان متفاوت شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۵۷). در این هنگام مؤمنان

۱. «يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ» (حدید/۱۲).

۲. «يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ» (حدید/۱۴).

چهار عامل تفاوت اعمال خود با منافقان را اینگونه بیان می‌دارند.^۱ دل‌های منافقان گمراه بوده و مطابق با ظاهر نیست، همواره در انتظار بلا و گرفتاری برای مسلمانان بوده، و با فریفته شدن در آرزوهای خام شیطان، موجبات آفات قلب خویش را فراهم کردند، در آخرت نیز نه تنها آگاهی آنان از ثمرات اعمال و نیاتشان بدون فایده است، بلکه دادن فدیة نیز از منافقان و کفار سودی به حالشان نخواهد داشت. لذا مؤمنان عدم ثمره فدیة را به منافقان را اینگونه اطلاع می‌دهند.^۲ زیرا راه نجات از هر گرفتاری، یا دادن عوض است که انسان دهد و خود را از گرو آن عذاب درآورد، و یا یاری یاوران است که آنان هیچ يك را ندارند. اولی را با عبارت: «فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ»، دومی را با عبارت: «مَأْوَاكُمْ النَّارُ» نفی کردند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۵۸). ایمان و عمل صالح در دنیا، رسیدن به بهشت جاوید است. از این رو علم به آثار اعمالی چون انفاق، موجب دستیابی به حقیقت ایمان و درک فوز عظیم خواهد شد. عدم توجه به حقیقت انفاق، سبب می‌شود فرد پندارد انفاق اعطای بخشی از دارایی، به فرد دیگر برای کسب رضایت خدا است. حال آنکه خداوند حقیقت انفاق را اینگونه بیان می‌دارد:

- از سویی: «انْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ» (حدید/۷): مالک حقیقی اموال خداوند است که به انسان برای اطاعت و اثبات ایمان و دیعه نهاده (قطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۳۴۸۲).

- از سویی دیگر: «وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (حدید/۱۰)، خداوند با استفهام توبیخی (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۵۳) در این آیه بیان می‌دارد انفاق اعطای جزئی از میراث خداوند در نظام خلقت و هر آنچه انسان در دنیا اعتبارا ملکیت دارد، است که در ملک حقیقی پروردگار قرار دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۹، ص. ۳۵۰).

بنابراین همه نعمات الهی، امانتی است که روزی باید به صاحب آن باز گردد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۳۲). بنابراین فردی که حقیقت ایمان را درک کرده و انفاق را از روی شناخت انجام می‌دهد، با درک

۱. «فَتَنَّتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ اذْبَحْتُمْ وَ غَرَّتُمْ الْأَمْثَالَ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَ غَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ» (حدید/۱۴).

۲. «فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَ لَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا» (حدید/۱۵).

فقر وجودی خویش، به خضوع و خشوع در برابر خداوند متعال نائل شده، با تصحیح نگرش به حقیقت انفاق و درک فقر ذاتی انسان، به انفاق ترغیب می‌گردد.

مرحله دوم: تقویت روحیه خشوع در مؤمنان با انفاق

مرحله دوم از معارف سوره حدید شامل آیات ۱۶ الی ۲۹ می‌باشد، که خشوع را در ابعاد ذیل برای مؤمنان مسیر می‌دارد:

۱.۲. رقت در قلوب مؤمنان

مؤمنان پس از زندگی سخت و طاقت فرسا در مکه، با مهاجرت به مدینه و فراوانی نعمت در آنجا، دچار قساوت قلب شدند (سیوطی، ۱۴۰۴، ج. ۶، ص. ۱۷۵)، در حالی که لازم بود بر ایمان و یقین آنان به دلیل مصاحبت با قرآن افزوده شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۹، ص. ۳۵۸). خداوند متعال به منظور درمان ریشه‌ای قساوت قلب و تغییر موضع منفی‌شان نسبت به پروردگار (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۵۶)، آنان را مورد عتاب قرار داد. ^۱ رقت قلب در مقابل قساوت قلب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۳۶۱)، حالتی نفسانی است که فرد مؤمن را در مقابل مولای خویش به اطاعت و خشوع واداشته، تا حدی که منعطف و لطیف، و بدون خشونت و تکبر با او مواجه شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج. ۴، ص. ۱۹۶).

خشوع انسان را به لحاظ نفسی و روانی آماده کرده، تا در برابر حق تسلیم شود (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۵۷). در مقابل مؤمن قسی القلب که برای حق، خشوع و انعطاف ندارد از دایره عبودیت الهی خارج شده: «فَقَسَّتْ قُلُوبُهُمْ»، با عدم تأثر از مناهی الهی، مرتکب گناه و فسق می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۶۱): «وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ». بنابراین عمل به دستورات حق خاصه انفاق، موجب رقت قلب انسان، و خشوع در برابر پروردگار می‌شود.

۱. «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حدید/۱۶)

۲.۲. ترک دنیاگرایی

تصدیق نفس به ایمان با تحقق قلبی، اقرار زبانی و عمل جوارحی محقق می‌گردد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج. ۸، ص. ۳۸۹). امیرامؤمنین علیه السلام نیز در این باره فرمود: «الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (نهج البلاغه/حکمت ۲۲۷). مؤمنی که گفتار و کردارش به درجه صدیق رسد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۹، ص. ۳۵۸)، ایمان خالص به خدا و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۹، ص. ۳۵۸)، را با اطاعت از دستوراتشان محقق می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۶۲). برخی مؤمنان مدینه تنها ایمان زبانی داشته، از انفاق سرباز زدند. خداوند با تعریف صدیق برای آنان، فرمود^۱: انسان مؤمنی که تسلیم کامل فکری و عملی خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم باشد، به مقام صدیقین و شهدا رسیده، به درک بهتری از نیازمندان نائل می‌گردد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۶۹). تلازم و جدایی ناپذیری ایمان و انفاق (صدقه) در آیات هجده و نوزده^۲ به مثابه رفتاری ایمانی، بیانگر ایجاب و تعمیق خشوع و تسلیم و اطاعت پذیری مطلق مؤمنان در برابر اوامر الهی، و به بیانی دقیق‌تر تصدیق عملی ایمانشان، ترک دنیاگرایی شده، همدلی ایشان به نیازمندان را مسیر می‌دارد.

۳.۲. دوری از حب به دنیا

مؤمنان مدینه که هنگام نزول این سوره می‌بایست در راه خدا ایمان خود را با انفاق ظاهر دارند (دروزه، ۱۳۸۳، ص. ۸۳)، فریفته متاع دنیا شدند^۳: حقیقت دنیا سرابی باطل بوده، و غرق شدن در متاع دنیا ضرر سخت اعم از گرفتاری به لهو، لعب، زینت، تفاخر و تکاثر را به دنبال دارد، که مانع جلب کمال نفسانی و خیر حقیقی برای انسان هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۶۴). حقیقت دنیا برای کسانی که

۱. «وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حدید/۱۹).

۲. «إِنَّ الْمُسَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا... وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ...» (حدید/۱۸-۱۹).

۳. «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (حدید/۲۰).

با دلبستگی، آن را هدف نهایی و اصلی دانسته، و برای آخرت کار نکردند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج. ۹، ص. ۳۵۹) متاع غرور: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حدید/۲۰)، و ابزاری برای فریبکاریشان است. اما اگر مواهب این دنیای مادی وسیله‌ای برای وصول به ارزش‌های والای انسانی و سعادت جاودان باشد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۸۲)، حقیقت ایمان انسان افزایش یافته، خشوع و خضوع در برابر پروردگار نموده، دنیا و متاع آن برای او مزرعه آخرت و پلی برای دستیابی به اهداف نهایی خلقت است.

بنابراین اگر این حقیقت به بصیرت و اندرز عملی تحول یابد، انسان مؤمن در دنیا با بهره‌مندی از مواهب الهی، به خشوع در برابر خداوند و اطاعت عملی از فرامین او اعم از انفاق روی می‌آورد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۲۳، ص. ۳۵۴). ارزشمندی دنیا هنگامی است که انسان با نعم الهی به‌سوی آموزش حرکت کند. پروردگار نیز برای مؤمنانی که به ذکر عملی (انفاق) و قلبی (خشوع) بی‌توجه هستند، یادآوری آخرت را تأکید می‌دارد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۱۷۴). زیرا دلبستگی به دنیا سبب سلب خشوع از بنده شده، انسان را به هر نوع نافرمانی در برابر پروردگار سوق می‌دهد (موسوی‌الخمنی، ۱۳۷۸، ص. ۵۱). از این رو حقیقت دنیای فی‌نفسه مجموع اعیانی است که دلبستگی انسان به آن، دور شدن از مسیر اصلی، و غطه‌ور شدن در لذات آن را به دنبال دارد (نراقی، ۱۳۸۴، ص. ۳۲۸).

هنگام نزول سوره حدید در سال دوم هجرت به مدینه، انصار وضعیت اقتصادی خوبی داشتند (یوسفی، بی‌تا، ج. ۳، ص. ۲۲۷)، مهاجران هم با کمک و حمایت انصار زندگی دوباره برای خود تشکیل داده، مدتی بعد آنان نیز با تجارت زندگی خویش را سامان داده و قدرت مالی خوبی یافتند (زرگری نژاد، ۱۳۸۷، ص. ۴۸۱). در این برهه از زمان با شروع جهاد دفاعی در مدینه، دستوراتی جهت ترغیب و توصیه مؤمنان به انفاق مالی و جانی داده شد، تا حقیقت ایمان مؤمنان بروز یابد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۱۱). بدین معنا که با گسترش قدرت اسلام بعد از هجرت و اتمام سختی‌های مکه، انتظار می‌رفت مؤمنان درجه بالای ایمان خود را با انفاق آشکار دارند، اما ایشان به دلیل حب مال و دنیا دوستی، فریفته آرزوهای باطل و نعم فانی دنیا شده، از انفاق چشم پوشیدند (قطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۳۴۷۵). خداوند متعال

در این آیات با ترغیب مؤمنان به دوری از حب دنیا، انفاق در راه الهی را عامل ارتقاء ایمان اجتماعی مؤمنان مطرح داشته است.

۴.۲. کسب رضوان الهی

رضوان الهی، با اطاعت از صفات فعل الهی، بدون انفعال نفسانی، برای انسان حاصل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۹، ص. ۳۷۶). گاهی رضایت بنده نسبت به خدا است، یعنی بنده به قضای الهی، راضی باشد؛ گاهی نیز رضایت خدا نسبت به بندگانش است، یعنی خدا بنده‌اش را پذیرای امر و نهی خود دیده از او راضی خواهد بود. شدت رضایت خداوند نسبت به بنده را رضوان الهی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۳۵۶). رسیدن به رضوان الهی تنها با انجام اعمال صالح امکان پذیر است. گرچه انجام اعمال صالح زمینه‌ساز رضوان الهی است، اما این رضایت زمانی حاصل می‌شود که اعمال با نیت خالصانه و دل‌بستگی نداشتن به دنیا همراه شود؛ امری که در انفاق صادقانه تحقق می‌یابد. زیرا انسانی که با درک حقیقت دنیا از آن دل کند، به انفاق روی می‌آورد. لذا تنها انفاق فی سبیل الله موجب کسب رضای الهی است: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ» (حدید/۲۰). انفاق با انگیزه رضایت الهی یقیناً انسان را علاوه بر دوری از کبر، غرور و خودنمایی، به مقام خشوع رسانده، با اطاعت الهی در برابر عظمت خدا سر فرود آورده و مطیع محض درگاه حق می‌گردد.

فردی که برای کسب رضای الهی برای ارتقای درجه ایمان خود در راه خداوند انفاق می‌کند، نه تنها از کسب اموال خوشحال نمی‌شود، بلکه با انفاق آن در راه خدا نیز ناراحت نمی‌شود، زیرا خودش را مستخلف خداوند بر روی زمین و خداوند را مالک مطلق می‌داند: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ. لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (حدید/۲۲-۲۳). لذا این فرد با انفاق و دوری از حب به دنیا به درجه زهد، که یکی از

حکمت‌های انفاق به معنای عدم رغبت و میل باطنی فرد به امور مادی است (انصاری، ۱۴۰۸، ص. ۳۰)، دست می‌یابد. زهد انسان انفاق‌کننده با دوری از حب دنیا و متعلقات آن، نوعی خشوع را در دل مؤمن پدیدار می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج. ۱۴، ص. ۱۸۷). مؤمن با درک این حقایق، بر اثر وجود نعم الهی خوشحال و یا با فقدان این نعم ناراحت نمی‌شود.

۵.۲. دوری از بخل

خداوند متعال به منظور بیان حکمت انفاق، بعد از بیان عدم محبوبیت اختیال و افتخار، بخل را نفی می‌کند: امتناع از بذل و پرداخت واجبات مالی مانند انفاق ناشی از بخل بوده (طوسی، بی تا، ج. ۳، ص. ۶۴)، که در اثر تعلقات شدید مالی حاصل شده (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج. ۱، ص. ۲۲۶)، و از رذایل نفسانی است که فرد آرزو دارد احدی مانند او چیزی نداشته باشد (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج. ۴، ص. ۲۵۸). فرد فخر فروش و افزون طلب، با توهم کم شدن دارایی خود، از انفاق امتناع کرده و بخل می‌ورزد. در حالی که فقط خداوند متعال غنی مطلق بوده، دستور انفاق در پی مصلحت و آزمایش افراد صادر شده است (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۹۱). بخیل سرمایه کبر و غرور و عامل افتخار خویش را، اموالش دانسته، هرگز نمی‌خواهد آنها از دست دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج. ۲۳، ص. ۳۶۸). حال آنکه بخل به سبب منع و ترک واجبات و مستحباتی چون انفاق حاصل شده، که خدا مؤمن را به سوی آن خوانده بود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۶۸). مطابق آیات فوق رفع تقابل میان انفاق و بخل و دوری از بخل، با تقوای و اطاعت از فرامین الهی مسیر گشته، و سبب پرورش روحیه انفاق می‌گردد، زیرا انفاق‌کننده درک این حقیقت رسیده که دارایی، قدرت، جاه و مقام، و... از آن خداست، عظمت الهی را درک، و مقابل خداوند غنی حمید، خاشع می‌گردد. به بیانی دیگر براساس این آیات، انفاق نه تنها نفی‌کننده بخل به عنوان یکی از مظاهر خودمحوری و غرور است، بلکه نشانگر خشوع عملی مؤمن در برابر مالکیت و غنای مطلق الهی است؛ از این رو، تربیت روحیه انفاق، تربیت خشوع در برابر خداوند را نیز در پی دارد.

۱. «وَ اللَّهُ لَا يُجِبُ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ. الَّذِينَ يَبْتَخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَ مَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (حدید/۲۳-۲۴).

۶.۲. تحقق وعده‌های الهی

فرد مؤمن با اعتقاد قلبی از نعم بی‌شمار الهی، در راه خدا انفاق می‌کند. گرچه ظاهراً مال خوش را از دست داده، اما بر حسب وعده الهی اموال فزونی می‌یابد (طیب، ۱۳۶۹، ج. ۱۲، ص. ۴۳۲). خداوند معطی این نعم، با اطاعت انسان و انفاق او، وی را از برکات و توسعه‌های کثیر الهی بهره‌مند می‌گرداند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج. ۱، ص. ۲۵۹): «يُضَاعَفُ لَهُمْ» (حدید/۱۸). امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «إِنَّ الصَّدَقَةَ تَقْضِي الدَّيْنَ وَ تَحْلِفُ بِالْبِرَّةِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴، ۹). تحقق وعده‌ها الهی از آن‌روست که خداوند متعال در یک فرآیند عینی و تربیتی، ضمن تبیین برکات فراوان در اثر انفاق با چند برابر شدن اموال، خضوع و خشوع قلبی مؤمن را افزایش داده، و با ایجاد حب و احترام و دعای مردم در دنیا برای انفاق‌کننده، ثواب در آخرت را برای او همراه می‌دارد (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۶۹). در این شرایط ثروت اجتماعی در جامعه به گردش درآمده، منجر به ساختن جامعه به‌لحاظ اقتصادی و تمدن می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ج. ۱، ص. ۲۴۱). بنابراین این امور با شناخت عظمت پروردگار و ایجاد و تقویت روحیه خشوع در مؤمنان حاصل گشت.

همچنین مطابق وعده‌های الهی، انجام عمل صالح موجب سبقت در مغفرت الهی، و در نتیجه سبقت در امور خیر اعم از انفاق (ام از واجب و مستحب) را میسر می‌دارد: «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ» (حدید/۲۱). زیرا اسباب مغفرت، ایمان، توبه و عمل صالح است (طیب، ۱۳۶۹، ج. ۱۲، ص. ۴۳۶). این مسابقه هنگامی به حد اعلای خود می‌رسد که مؤمنان فریفتگی خویش به امور فانی را رها کرده، با عجز به درگاه الهی به حرکت درآمده، با طلب کمال غایی در آخرت، از فزون‌خواهی دوری نمایند (مدرسی، ۱۴۱۹، ج. ۱۵، ص. ۸۶). فرد انفاق‌کننده با اطاعت دستور الهی ایمان حقیقی خویش را به ملکه ظهور رسانده (مصباح یزدی، ۱۳۸۵، ج. ۱، ص. ۲۴۰)، در برابر پروردگار فروتن و خاشع می‌گردد.

انسان مؤمن با شناخت حقیقی از وجود و اعمال خویش در برابر عظمت و کبریایی پروردگار متعال، حالت خشوع را درک کرده (طبرسی، ۱۴۱۲، ج. ۴، ص. ۲۵۰)، بواسطه فضل و رحمت الهی به بهشت برین نائل می‌شود.

۷.۲. برقراری عدالت اجتماعی

برخی مؤمنان در جامعه ایمانی مدینه، با وجود دستورات پی در پی به انفاق، از آن سر باز زدند. خداوند برای توجه دادن آنان به تاثیر برقراری عدالت با انفاق، هدف ارسال رسولان را اینگونه بیان می‌دارد^۱: هدف از رسالت همه انبیاء، نفی استبداد و بسط عدالت در جامعه است. پروردگار متعال با ارسال رسولان و نزول کتب آسمانی، مردم را به عدالت (طیب، ۱۳۶۹، ج. ۱۲، ص. ۴۴۰) و رفع اختلافات میان طبقات غنی و فقیر فرامی‌خواند. عدالتی که در جامعه به سبب انفاق حکم فرما شود ابعاد متعدد اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی را در برمی‌گیرد. به‌عنوان نمونه در بعد اجتماعی موجب امنیت، در بعد اخلاقی مانع فساد اخلاقی، در بعد اقتصادی توسعه اشتغال، فزونی روزی انفاق‌کننده، حفظ قدرت اقتصادی حکومت اسلامی، را به دنبال خواهد داشت. بنابراین ترک انفاق مالی و غیرمالی، سست شدن ارتباطات اجتماعی، عدم تامین نیازهای طبیعی افراد در جامعه، در نتیجه هلاکت افراد و جامعه را در پی دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج. ۹، ص. ۶۶۱). مؤمنی که به‌منظور برقراری عدالت، در راه خدا انفاق می‌کند، با دل‌کندن از مال دنیا برای اطاعت دستور الهی مبنی بر برقراری قسط، اقدام می‌کند. این انفاق، در دل او خشوعی ای را پدید می‌آورد که موجب عمل بهتر در راه اطاعت الهی می‌گردد.

۸.۲. جلب رحمت و افزایش تقوای الهی

انفاق مؤمن، علاوه بر ارتقای رتبه ایمانی، رحمت رحیمیه الهی را نیز به دنبال دارد^۲: در آیه بیست و هشتم خداوند متعال شرط رحمت خاص خویش را تقوای الهی، ایمان عملی دستورات الهی و رسول‌الله ﷺ از جمله انفاق بیان داشته است. بدین معنا که مؤمنان تنها با نور هدایت و ایمان حقیقی می‌توانند از انحراف دوری کرده، تقوای انفاق‌کننده در دل او حالت خشوعی را به‌وجود آورده، تا بتواند

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ» (حدید/۲۵).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (حدید/۲۸).

دستورات الهی را اطاعت نماید. این نور هدایت تنها برای مؤمنان حقیقی ای وعده داده شده که با تقوای الهی دستورات رسول الله ﷺ اعم از انفاق را عملی کند (قطب، ۱۴۲۵، ج. ۶، ص. ۳۴۹۶). این نور مؤمن متأثر از مرتبه بالای ایمانی اوست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج. ۱۹، ص. ۱۷۴). مؤمن با ارتقاء درجه ایمانی خود به وسیله انفاق، حجاب‌ها را کنار زده، نسبت به حقایق اعم از حقیقت دنیا و عظمت الهی بصیرت یافته، افزایش درک او از عظمت الهی، موجب ایجاد و تقویت حالت خشوع در قلبش می‌شود.

نتیجه‌گیری

انفاق خالصانه مؤمن در راه خدا، موجب رشد معرفت او نسبت به عظمت الهی شده، این معرفت او به خشوع در درگاه الهی سوق می‌دهد.

خشوع در برابر خداوند متعال در سوره حدید با راهکارهایی نظیر معرفی پروردگار، بیان صفات و عظمت او، تاکید بر نبوت رسول الله ﷺ، تبیین وضع مؤمنان و کافران و منافقان در آخرت، و... ترغیب و تشویق مؤمنان به انفاق را پیش گرفته شده است.

پروردگار باری تعالی نمایان کردن چهره واقعی دنیا و متعلقات آن، دوری جستن از حب دنیا، انفاق جان و مال فی سبیل الله، و یا دیگر مصادیق از این قبیل را، از جمله حکمت و آثار ایجاد روحیه اداء انفاق در سایه خشوع الهی در سوره حدید بیان داشته است.

نتایج و یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد انسان مؤمن با کسب معارف توحیدی، دست به انفاقی می‌زند که کوچکترین اثر فردی آن، خشوع و حیات قلب است. هر چقدر این انفاق از روی فهم و درک بیشتر عظمت الهی اداء شود، از خود گذشتگی انسان در برابر خداوند را بیشتر نمایان داشته، خشوع انسان در برابر پروردگارش را افزایش می‌دهد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، انتشارات پیام عدالت، ۱۳۹۷ ش.
۲. نهج البلاغه، گردآورنده محمد بن حسین شریف الرضی، ترجمه محمد دشتی، قم، موسسه فرهنگی امیرالمومنین (ع) ۱۴۰۷ ق.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ ق)، تفسیر التحرير والتنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
۴. انصاری، عبد الله (۱۴۰۸ ق)، منازل السائرین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۴ ش)، شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم، قم، موسسه تمهید.
۷. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار التراث العربی.
۸. پیشوایی، مهدی (۱۳۹۳ ش)، تاریخ اسلام، قم، نشر معارف.
۹. تفتازانی، سعدالدین (۱۴۰۹ ق)، شرح المقاصد، تحقیق: دکتر عبدالرحمن عمیره، قم، الشریف الرضی.
۱۰. جرجانی، میرسید شریف (۱۳۲۵ ش)، شرح المواقف، تحقیق: بدر الدین النعسانی، قم، الشریف الرضی.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶ ش)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
۱۲. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق: آیت الله حسن زاده، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
۱۳. خوانساری، جمال (۱۳۷۸ ش)، الحاشیة علی حاشیة الخفری علی شرح التجرید، تحقیق: رضا استادی، قم، مؤتمر المحقق الخوانساری.
۱۴. دروزه، محمد عزه (۱۳۸۳ ق)، التفسیر الحدیث، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم.
۱۶. رشید رضا، محمد (۱۴۱۴ ق)، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، بیروت، دارالمعرفه.
۱۷. زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۷ ش)، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت.
۱۸. سید قطب (۱۴۲۵ ق)، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق.
۱۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ ق)، الدرالمشور فی التفسیر بالماثور، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی (ره).

۲۰. شریف مرتضی، علی (۱۴۰۵ق)، رسائل الشریف المرتضی، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم، دارالقرآن الکریم.
۲۱. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی.
۲۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱)؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه، بیروت، داراحیاء التراث.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۲۵. _____ (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیرالقرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
۲۷. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، اطیب البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، نشر اسلام.
۲۸. عبدالله زاده آرنی، رحمه الله (۱۳۹۸ش)، بررسی اتفاق در قرآن بر اساس ترتیب نزول آیات، نشریه شناخت قرآن، شماره ۲۳، صص ۷۳-۹۰.
۲۹. عبیدلی، عمیدالدین (۱۳۸۱)؛ إشراق اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت، تحقیق: علی اکبر ضیایی، تهران، میراث مکتوب.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، العین، قم، نشر هجرت.
۳۱. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک.
۳۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۳۳. لاهیجی، عبدالرزاق (۱۳۸۳ش)، گوهر مراد، تهران، سایه.
۳۴. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران، دارمحبی الحسین.
۳۵. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۷ش)، آموزش عقاید، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۶. _____ (۱۳۸۵ش)، آیین پرواز، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

۳۹. الموسوی الخمينی، روح الله (۱۳۷۸ش)، آداب الصلاة، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني (ره).

۴۰. نراقي، احمد بن محمد (۱۳۸۴ش)، معراج السعاده، قم، هجرت.

۴۱. اليوسفي غروي، محمد هادي (بي تا)، موسوعة التاريخ الاسلامي، قم، مجمع الفكر الاسلامي.

